



دیگری کشتی بگیرد و پیشنهادهای بسیار خوبی هم از استان‌های دیگر دریافت می‌کند، اما با صحبت‌هایی که مربی‌اش می‌کند از این کار منصرف می‌شود. رهنما به دلیل رفتار و ناملایماتی که از هیئت استان می‌بیند کشتی را برای ۶ ماه کنار می‌گذارد: «بعد از اتفاق‌هایی که افتاد تر جیح دادم مدتی دور باشم و کشتی را کنار بگذارم. به دیدن اقوام می‌رفتم و آن‌ها را بعد از مدت‌ها می‌دیدم. از دیدن تعجب می‌کردند و دائم می‌پرسیدند که چرا دیگر کشتی نمی‌گیرم. در این مدت حتی ارتباطم با کشتی‌گیران کشورهای دیگر را که با آن‌ها در تماس بودم قطع کردم و به حال حریفانی که روزی آن‌ها را ضربه کرده بودم و حال داشتند مسابقه می‌دادند غبطه می‌خوردم. تنها دوستم از تبریز بود که دائم پیام می‌داد و از من می‌خواست دوباره تمرین‌هایم را شروع کنم. او به مشهود آمد و قرار گذاشتیم تمرین‌هایم را دوباره شروع کنم. کمی اضافه وزن پیدا کرده‌ام که می‌دانم می‌توانم به موقع خودم را به سرورن برسانم. مربی‌ای را در مازندران پیدا کردیم که هفته‌درمیان برای تمرین به همراه همین دوست تبریزی‌ای که به این استان سفر می‌کنیم.»

مربی‌ام الگوی اخلاقی من است

«در ورزش مربی‌ام الگوی اخلاقی من است. او تأثیر بسیاری روی زندگی ورزشی‌ام گذاشته، به طوری که رفتارم در اردوها در بین سایر ورزش‌کاران و مربی‌ها مثال‌شان شده است. او بسیار موقر و متین است و به دور از هر حاشیه و جنجالی کار می‌کند. به او بسیار مدیونم.»

می‌شدا عزام شدم. این اولین اردویی بود که به آن می‌رفتم و دوری از خانواده و مربی‌ام بسیار برایم سخت بود. جو حاکم بر اردو هم بسیار بد بود؛ حتی اجازه تماس گرفتن با خانواده‌ام یا دیدن مربی‌ام را هم نمی‌دادند، زیرا در این دوره از مسابقات حریفان قدری از کشور داشتیم که آن‌ها را ضربه کرده و همین امر سبب شد برخی از مسئولان نگاه مغرضانه‌ای به من داشته باشند. با تمام سختی‌هایی که بود توانستم مقام سوم آسیایی را به دست بیاورم.»

تجربه اولین حضور در میدان آسیایی

این دختر آلیش کار منطقه ما هنگامی که صحبت از تجربه اولش در میدان‌های آسیایی می‌شود با خنده برایمان تعریف می‌کند: «راستش را بخواهید، شبی که وزن کشتی داشتیم با دیدن حریفانم بسیار نگران شدم که البته منحصر به من نبود. بدن‌های آماده‌ای داشتند و دائم با خودم فکر می‌کردم چطور می‌توانم آن‌ها را از جایشان تکان بدهم. هنگامی که روی تشک رفتم هیچ‌ان و استرس سبب شده بود هیچ صدایی را نشنوم. شاید اگر در آن لحظات صحبت‌های مربی‌ام را می‌شنیدم، مقام بهتری کسب می‌کردم.»

ملی پوش شدم، اما به مسابقات نرفتم

سال‌های ۹۴ و ۹۵ رهنما عضو تیم ملی کشتی آلیش کشورمان بوده، اما به دلایلی به مسابقات اعزام نمی‌شود. به گفته خودش راینی‌هایی در این زمینه انجام شده که او نتواند به این دوره از مسابقات برود: «بعد از کسب مقام سوم آسیایی و مشکلاتی در زمینه داوری و رفتارهای نامناسب انجمن‌ها بیشتر جودو کار می‌کردم، تا اینکه مربی‌ام در سال ۹۴ خبر داد که فدراسیون آلیش تشکیل شده و لباس‌ها و قوانین فرق کرده و دیگر جوسابق از بین رفته؛ برای همین در مسابقات استانی و کشور شرکت کردم و نفر سوم شدم. آن سال گفتند نفر فقط اول و دوم را به مسابقات اعزام می‌کنند. سال بعد که نفر دوم شدم گفتند نفر سوم را برای مسابقات جام بایگان قرقیزستان اعزام می‌کنند، زیرا او فنی‌تر از من است! هر چه مربی‌ام با نایب رئیس فدراسیون صحبت کرد نتیجه‌ای نگرفت. برای دور بعدی تمام تلاشم را کردم. فشرده تمرین می‌کردم. در همین فاصله آقای خادم را دیدم و حضوری صحبت کردم و وضعیت را برایشان توضیح دادم. ایشان هم به خانم نایب رئیس گفته بودند یک مسابقه برگزار کنند که کار دو مبارز را از نزدیک ببینند. در نهایت رأی به نفع من صادر شد و برای مسابقات جهانی قرقیزستان که در شهریور سال گذشته برگزار شد به مسابقات اعزام شدم و توانستم مقام سوم آسیایی را دوباره از آن خود کنم.»

شش ماه از ورزش دور بودم

بعد از این دوره از مسابقات و حواشی‌ای که پیش می‌آید رهنما تصمیم می‌گیرد برای شهر



مربی‌مان یک روز به سالن تمرین آمد و اسم کشتی آلیش را آورد و گفت مانند جودو دوست و تنها در اسم و تکنیک‌ها با هم فرق دارند. دو هفته به مسابقات استانی این رشته مانده بود. ناگفته نماند که آن زمان هنوز آلیش فدراسیون نداشت وزیر نظر انجمن‌ها فعالیت می‌کرد و تنها ۸ تا ۱۰ نفر بودند که با این ورزش آشنایی کامل داشتند